

## محوطه‌ها و استقرارهای پارتنی شمال و شمال غربی استان لرستان

**موسی سبزی\***

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه لرستان  
sabzi.m@lu.ac.ir

**علیرضا هژبری نوبری**

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

**اسماعیل همتی ازندریانی**

دکترای باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

**محمد بهرامی**

دکتری باستان‌شناسی

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2018.15682.1710  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۰  
(از ص ۸۳ تا ۱۰۲)

### چکیده

شهرستان‌های سلسله و دلفان در شمال و شمال غربی استان لرستان، از نظر فراوانی و پراکندگی محوطه‌ها و بقایای مربوط به دوره‌ی پارتنی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. منطقه‌ی مورد مطالعه در حدفاصل کوه‌های سفیدکوه و گرین واقع شده است که بخشی از زاگرس مرکزی به حساب می‌آید و سیمای محیطی آن شامل دره‌ها، دشت‌های میان‌کوهی و کوهستانی با مساحتی بالغ بر ۴۰۰۰ کیلومترمربع است. در نتیجه بررسی باستان‌شناختی و براساس داده‌های سطحی در مجموع تعداد ۵۱۹ اثر و مکان باستانی از دوره‌ی پارینه‌سنگی تا دوره‌ی اسلامی متأخر در این منطقه شناسایی شد که تعداد ۳۰۷ محوطه از آن‌ها دارای بقایایی از دوره‌ی پارتنی بودند. تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها عموماً براساس داده‌های سفالی (کلینکی، منقوش، لعاب‌دار و ساده‌ی معمولی) انجام گرفته است و نتایج به دست آمده از بررسی‌های باستان‌شناختی به افزایش استقرارهای پارتنی و نیز شیوه‌های گوناگون معیشتی آن‌ها اشاره دارد که با کاوش در محوطه‌های کلیدی می‌توان مدارک بسیار مهمی را برای بازسازی معیشت اقتصادی و شیوه‌ی زندگی ساکنان آن‌ها به دست آورد. روش پژوهش در این مقاله به صورت میدانی، شامل بررسی سیستماتیک منطقه‌ی مورد مطالعه در نمونه‌برداری مواد فرهنگی، و همچنین در مطالعات کتابخانه‌ای استفاده از گزارش‌ها، کتب و مقالات منتشر شده در زمینه‌ی استقرارهای دوره‌ی اشکانی است. علاوه بر این، در این مقاله سعی شده است به پرسش‌هایی از قبیل؛ نحوه‌ی پراکنش استقرارها در دوره‌ی پارتنی در این مناطق چگونه بوده است؟ دلایل افزایش استقرارهای پارتنی نسبت به دوره‌های قبل و بعد از آن در این مناطق چه می‌تواند باشد؟ علت فقدان استقرارگاه‌های بزرگ مربوط به دوره‌ی پارتنی در این مناطق را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ پاسخ داده شود. با مطالعات انجام شده در طی بررسی مشخص گردید پارتنیان در این مناطق حضوری مستمر و پُرننگ داشته‌اند و بیشتر استقرارهای مربوط به این دوره به شکل واحدهای روستایی نسبتاً کوچک بوده‌اند و شواهدی از مراکز شهری شناسایی نشد گرچه فقدان این‌گونه استقرارها را می‌توان با وجود استقرارگاه‌های بزرگتری در سایر مناطق زاگرس مرکزی توجیه نمود. افزایش محوطه‌ها در دوره‌ی پارتنی در این منطقه هم می‌تواند نشانگر تغییرات جمعیتی یا تغییر الگوی پراکنش استقرارها نسبت به دوره‌های قبل و حتی بعد از این دوره باشد.

**کلیدواژگان:** بررسی باستان‌شناختی، پارتنی، سلسله و دلفان، شمال و شمال غربی لرستان.

## مقدمه

شمال و شمال غربی لرستان جزو مناطق مرتفع این استان به حساب می‌آیند و سیمای محیطی این مناطق، شامل دره‌ها، دشت‌های میان‌کوهی و کوهستانی با مساحتی بالغ بر ۴۰۰۰ کیلومترمربع است که در عمده‌ی بخش‌های آن تا به حال فعالیت‌های عمده باستان‌شناختی به اتمام نرسیده، هرچند که برخی مناطق آن نیز بارها مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته است، و از این حیث جزو مناطق کمتر شناخته شده و یا بعضاً ناشناخته محسوب می‌گردند. بدون شک منطقه‌ی مورد مطالعه به دلیل دارا بودن پتانسیل‌های سرشار زیست محیطی قابلیت‌های فراوانی را در جهت استقرار جوامع انسانی از گذشته، و از جمله دوره‌ی پارتنی، تا به امروزه داشته و با توجه به توان‌های زیست محیطی فراوان و اهمیت مناطق هم‌جوار همواره در پژوهش‌های باستان‌شناختی با اهمیت بوده است. لازم به ذکر است که محوطه‌های باستانی این منطقه اکثراً توسط غارتگران اموال فرهنگی با هدف واهی دست‌یابی به دفینه و آثار عتیقه مورد دستبرد قرار گرفته‌اند و به همین دلیل قسمت‌هایی از آن‌ها تخریب شده‌اند. در نتیجه بررسی باستان‌شناختی صورت‌گرفته تعداد ۵۱۹ محوطه و بنای باستانی شناسایی شد که از این تعداد ۳۰۷ محوطه دارای بقایای مربوط به دوره‌ی پارتنی هستند. تقریباً تمامی محوطه‌های مربوط به دوره‌ی پارتنی در منطقه‌ی مورد مطالعه فاقد آثار و بقایای معماری هستند و غیر از سفال نیز بقایای دیگری مشاهده نشد که به همین دلیل تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها نیز براساس داده‌های سفالی انجام گرفته است.

معمولاً در بررسی‌های سطحی باستان‌شناختی، استفاده از سفال‌های محوطه‌های لایه‌نگاری شده برای مقایسه با مجموعه‌های حاصل از بررسی به منظور تاریخ‌گذاری مجموعه‌های سطحی که سکونت در محوطه را نشان می‌دهد، به طور گسترده‌ای به کار گرفته می‌شود (به عنوان مثال ر. ک. به: Adams, 1962; Carter, 1971; Johnson, 1973; Wright et al., 1979). البته بایستی گفت که استقرارهای دوره‌ی پارتنی در بیشتر مناطق غرب ایران به دلیل ظهور و وجود سفال موسوم به «کلینکی» (Young, 1966; Stronach, 1974; Haerinc, 1983) از دوران پیش و پس از خود، قابل تشخیص و تمیز هستند و در اکثر محوطه‌های مربوط به دوره‌ی پارتنی در منطقه‌ی مورد مطالعه نیز به این سفال‌ها برمی‌خوریم؛ هرچند که به احتمال در اوایل دوره‌ی ساسانی نیز این‌گونه سفال کاربرد داشته است. هر چند که در تاریخ‌گذاری سفال‌های کلینکی نیز بسیاری از محققان کاربرد این نوع سفال را از دوران میانی پارتنی، یعنی زمانی که سفال منقوش از رواج می‌افتد، دانسته‌اند (Haerinc, 1983: 100-106) و پارتیان نیز احتمالاً از این تاریخ به بعد نقش پررنگ‌تری در منطقه داشته‌اند. سفال منقوش نیز گونه‌ی دیگری از سفال‌های مربوط به این دوره است که ارنی هرینگ منشاء آن‌ها را از دوره‌ی هخامنشی می‌داند و به اعتقاد وی تشخیص گونه‌های هخامنشی از اوایل پارتنی بسیار دشوار است (هرینگ، ۱۳۷۶: ۱۱۲) و نقوش به رنگ آخراپی، قهوه‌ای تیره، و تیره بر روی زمینه‌ی نخودی و نخودی مایل به کرم و شامل نقوش دال‌بری، هندسی نامنظم، نقوش نردبانی،

نقوش دُم‌عقربی و یا نوارهای ساده می‌باشند و در کل می‌توان گفت که سفال‌های منطقه‌ی مورد مطالعه در دوره‌ی پارتنیان متأثر از الگوهای شناخته شده رایج در غرب کشور است. نکته‌ی بسیار مهم این است که استقرارهای مربوط به دوره‌ی پارتنیان در این منطقه نسبتاً متراکم هستند و این تراکم در مناطقی دیگر از غرب ایران، چون: ازنا (عبداله‌ی و سرداری، ۱۳۸۵)، دشت نه‌اوند (طلایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۱)، صحنه (محمدی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰)، دشت شوشان (Wenke, 1987)، دشت کنگاور (Young, 1975) و... کاملاً مشهود است و نکته‌ی جالب آن‌که امروزه نیز ما به‌مانند دوره‌ی پارتنی شاهد تراکم استقرارها در این منطقه هستیم؛ و پیش‌فرض اصلی، نبود تغییر اساسی در محیط‌زیست و آب‌وهوای لرستان از دوره‌ی آهن تا به امروز بوده است (Hole, 1987; Solecki, & Solecki, 1983; Hubbard, 1990) که احتمالاً پوشش گیاهی، محیط‌زیست و آب‌وهوای این منطقه نیز در دوره‌ی پارتنی نسبت به امروز تغییر چندانی نکرده باشند و بنابراین همین عوامل قابلیت مقایسه با گذشته را داشته باشند.

نکته دیگر این است که اگرچه بررسی‌های سطحی باستان‌شناختی دارای توانایی‌های محدود از نظر شناخت آثار باستان‌شناختی‌اند، لذا اگرچه این بررسی‌ها توانایی‌های ویژه‌ای را از نظر مطالعات پراکندگی استقرارها و روابط میان آن‌ها دارا هستند؛ ولی چون به عمق لایه‌ها دسترسی ندارند، همیشه دچار محدودیت بوده و لذا به نتایج آن بایستی تا زمان کاوش‌های منظم و گسترده به دیده تردید نگریست. اما به‌طور کلی مطالعات بیشتر در زمینه‌ی باستان‌شناسی اعم از کاوش و گمانه‌زنی در محوطه‌های باارزشی که براساس آثار سطحی دوره‌های زیادی را دربر می‌گیرند؛ می‌تواند اطلاعات فراوانی جهت درک هرچه بهتر و صحیح‌تری از چگونگی تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جوامع انسانی پیشین را در این محدوده در اختیار پژوهشگران قرار دهد. درنهایت بایستی گفت که براساس بررسی‌های انجام شده تراکم محوطه‌ها بیشتر در دشت‌ها به چشم می‌خورد و همان‌گونه که ذکر آن رفت دشت‌های میان‌کوهی الشتر و نورآباد از جمله مهم‌ترین دشت‌های میان‌کوهی زاگرس به‌شمار می‌آیند که دشت‌هایی نسبتاً کوچک‌اند و در طول فصل زمستان بسیار سرد می‌شوند و از طرف دیگر این دشت‌ها به دلیل کوچک بودن منابع طبیعی محدودی دارند و به احتمال بسیار بعید می‌نمایند که تمامی محوطه‌ها در طول سال مسکونی بوده باشند و به‌همین دلیل می‌بایست تعداد زیادی از آن‌ها نیز جزو استقرارهای موقت به حساب آورد. به‌طور کلی در دوره‌ی پارتنی در منطقه‌ی مورد مطالعه‌ی محوطه‌ها و جمعیت نسبت به دوره‌های پیشین افزایش چشمگیری داشته و در این دوره غیر از مناطقی که در دوره‌های قبل از پارتنی مسکون بودند، در بخش‌های دیگر منطقه نیز سکونت‌گاه‌های جدیدی شکل گرفته است و در حقیقت فراوانی منابع زیست‌محیطی و شرایط ایدئال منطقه‌ی مورد مطالعه برای گله‌داری و کشاورزی از جمله مهم‌ترین عوامل افزایش شمار استقرارها به‌شمار می‌روند؛ چراکه بخش عمده‌ی این منطقه‌ی کوهستانی و در نتیجه با موارد ذکر شده بی‌ارتباط نبوده است و از جهت دیگر در مورد افزایش جمعیت نیز می‌توان گفت از آنجایی که

عمده استقرارها در منطقه‌ی مورد مطالعه، موقت و فصلی هستند؛ به احتمال زیاد مرتبط با کوچ‌نشینی و گله‌داری باشند، چون در این شیوه جمعیت زیادی برای نگه‌داری دام‌ها نیاز نیست.

**پرسش‌های تحقیق:** همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر آن رفت، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های پیش‌روست: ۱- نحوه‌ی پراکنش استقرارها در دوره‌ی پارتنی در این مناطق چگونه بوده است؟ ۲- دلایل افزایش استقرارهای پارتنی نسبت به دوره‌های قبل و بعد از آن در این مناطق چه می‌تواند باشد؟ ۳- علت فقدان استقرارگاه‌های بزرگ مربوط به دوره‌ی پارتنی در این مناطق را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

### روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله به صورت میدانی، شامل بررسی سیستماتیک منطقه‌ی مورد مطالعه در نمونه‌برداری مواد فرهنگی، و همچنین در مطالعات کتابخانه‌ای استفاده از گزارش‌ها، کتب و مقالات منتشر شده در زمینه‌ی استقرارهای دوره‌ی اشکانی با هدف پی‌بردن به تأثیرات عوامل مختلف بر شکل‌گیری استقرارهای دوره‌ی پارتنیان در این منطقه بود که به شیوه‌ی پیمایشی فشرده و با استفاده از راهنمایی‌های ساکنان محلی انجام گردید. روش نمونه‌برداری مواد فرهنگی از سطح محوطه‌های مربوط به دوره‌ی مورد مطالعه نیز به صورت نمونه‌برداری تصادفی ساده برداشت شد که شامل سفال‌های کلینکی (شامل کلینکی با نقش کنده، منقوش و ساده)، منقوش (شامل رنگ‌های قرمز، قرمز تیره، سیاه، قهوه‌ای و قهوه‌ای سوخته)، لعاب‌دار (شامل لعاب سبز و آبی بسیار پوسیده و زایل‌شونده) و ساده‌ی دوره‌ی پارتنیان بود و در واقع پس از شناسایی هر محوطه یا اثر باستانی، از بین سفال‌های سطحی قطعاتی به صورت تصادفی و به‌عنوان شاخص جمع‌آوری شد و در هنگام نمونه‌برداری نیز سعی بر آن بوده تا از برداشت نمونه‌های تکراری خودداری شود. از آنجا که سفال مهم‌ترین یافته‌ای است که براساس آن می‌توان در مورد دوره‌های مختلف بحث کرد و گاه‌نگاری محوطه‌های شناسایی شده را ارائه داد؛ لذا از این یافته به‌عنوان اساس تاریخ‌گذاری نسبی محوطه‌ها استفاده شده است که به‌همین دلیل سفال‌های جمع‌آوری شده در طی بررسی با مناطق مختلف هم‌جوار مقایسه و تاریخ‌گذاری شده‌اند.

### پیشینه‌ی مطالعات باستان‌شناسی منطقه

از نظر باستان‌شناسی، استان لرستان به سبب غنا و پتانسیل بالای زیست‌محیطی از دیرباز تاکنون مورد توجه باستان‌شناسان قرار داشته و گروه‌های مختلفی از باستان‌شناسان همواره در این منطقه به فعالیت پرداخته‌اند که در خلال این فعالیت‌ها شهرستان‌های سلسله و دلفان نیز بارها توسط باستان‌شناسان مورد بازدید، بررسی و بعضاً کاوش قرار گرفته‌اند. در مورد شهرستان دلفان هم بایستی گفت که برای نخستین بار کنتنو و گیرشمن در طی سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۳ م. کاوش‌هایی

را در تپه گیان و جمشیدی انجام دادند و در سال ۱۹۳۳ م. در تپه جمشیدی (واقع در دشت خاوه) به کاوش پرداختند (Contenau & Ghirshman, 1935). اشمیت نیز نخستین کاوش‌های علمی را در منطقه‌ی لرستان به عهده گرفت و هیأت همراه وی، طی سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۳۸ م، تحت عنوان هیأت هولمز، بررسی‌ها و گمانه‌هایی را در لرستان انجام دادند که این هیأت یک بار در پاییز ۱۹۳۷ م. و بار دیگر در سال ۱۹۳۸ م. در تپه دم‌آویزه نورآباد گمانه‌هایی را حفر کردند و سپس در سال ۱۹۳۸ م. دلفان و طرحان را مورد بررسی قرار دادند (نوروززاده‌چگینی، ۱۳۷۲: ۹۷-۱۱۴). همچنین اشمیت در سال ۱۹۳۸ م. در دره‌ی بادآور و در محوطه‌ی خاتونیان هشت قبر را کاوش کرد (Schmidt, 1938: p.214). همچنین این منطقه چندین بار مورد بررسی قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، استین در سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۴۰ م. منطقه را بررسی کرده و در چندین تپه از الشتر و تپه چیا کاو (چغاکبود) دشت خاوه اقدام به بررسی، گمانه‌زنی و کاوش کرد (Stin, 1940: 280-300). پس از آن، کلرگاف در بهار ۱۹۶۳ و پاییز ۱۹۶۴ م. منطقه‌ی نورآباد را بررسی کرده و در طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ م. به مدت سه فصل در تپه باباجان به کاوش پرداخت (Goff, 1970). معتمدی نیز به بررسی دره‌ی خاتونیان و کاوش در گورستان سر تخت خاتون بان پرداخته است (معتمدی، ۱۳۵۳). طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ ه.ش. نیز عمران گاراژیان به بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان نورآباد پرداخته است (گاراژیان، ۱۳۸۱-۱۳۸۰ و ۱۳۸۴). سیاوش شهبازی نیز تعدادی از آثار باستانی مربوط به دوره‌ی پارتنی این شهرستان را مورد مطالعه قرار داده است (شهبازی، ۱۳۸۱). در طی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ ه.ش. نیز تعدادی از آثار تاریخی این شهرستان توسط نگارنده (اول) شناسایی، ثبت و یا تعیین حریم شده‌اند (سبزی، ۱۳۸۸-۱۳۸۹). لایلا خسروی نیز در سال ۱۳۸۹ ه.ش. تعدادی از آثار باستانی این شهرستان را بررسی و شناسایی کرده است (خسروی، ۱۳۸۹). محمدرضا محمدیان نیز در سال ۱۳۹۳ ه.ش. دهستان‌های کاکاوند شرقی و غربی را بررسی کرده است (محمدیان، ۱۳۹۳). در شهرستان سلسله سر اورل استین در سال ۱۹۳۶ م. اولین کسی بود که به منظور آشنایی با آثار تاریخی شهرستان الشتر پای به این شهرستان نهاد که در تپه گریبان در دهستان یوسفوند، تپه بتکی در دهستان فیروزآباد، تپه چیا بل در دهستان دوآب و تپه چیا کاو به گمانه‌زنی‌هایی دست زد (Stin, 1940: 280-300). هول و فلانری در سال‌های ۱۹۵۹-۶۰ م. در لرستان یک رشته بررسی‌ها و گمانه‌زنی‌ها انجام دادند (هول، ۱۳۵۲). سپس خانم کلرگاف در خلال بررسی‌هایش در میان سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م. از بخش‌های از شهرستان الشتر دیدن نمود (Goff, 1968; 1971). در کنار باستان‌شناسان خارجی، حمید ایزدپناه با هدف معرفی و آثار باستانی لرستان در سال ۱۳۴۸ ه.ش. تعداد قابل توجهی از آثار باستانی لرستان و شهرستان الشتر بازدید و معرفی نمود (ایزدپناه، ۱۳۷۶).

با وقوع انقلاب اسلامی در روند مطالعات باستان‌شناختی منطقه وقفه‌ای ایجاد شد. در دوران انقلاب اسلامی هیأتی به سرپرستی علی سجادی کار بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان الشتر در سال ۷۷-۱۳۷۶ ه.ش. انجام داد (سجادی، ۱۳۷۷).

داوود داوودی نیز در طی دو فصل به بررسی و شناسایی تعدادی از آثار باستانی این شهرستان پرداخته است (داوودی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶) لیلی خسروی نیز در سال ۱۳۸۹ ه.ش. نیز تعدادی از آثار باستانی این شهرستان را بررسی و شناسایی کرده است (خسروی، ۱۳۸۹). نگارنده نیز در بهار ۱۳۹۲ ه.ش. تعدادی از آثار باستانی دهستان قلاایی (با هدف شناسایی محوطه‌های مربوط به دوره‌ی پارتنی) را مورد بازدید قرار داده است (سبزی، ۱۳۹۲). در پاییز سال ۱۳۹۶ ه.ش. نیز عباس مترجم در تپه گریران الشتر مطالعات لایه‌نگاری را به انجام رسانیده است. نکته‌ی مهم در مورد هر دو شهرستان آن است که تا به حال، اولاً این شهرستان‌ها به طور کامل مورد بررسی و شناسایی قرار نگرفته‌اند و دوماً مطالعه‌ی تخصصی در مورد محوطه‌های مربوط به دوره‌ی پارتنی انجام نشده است.

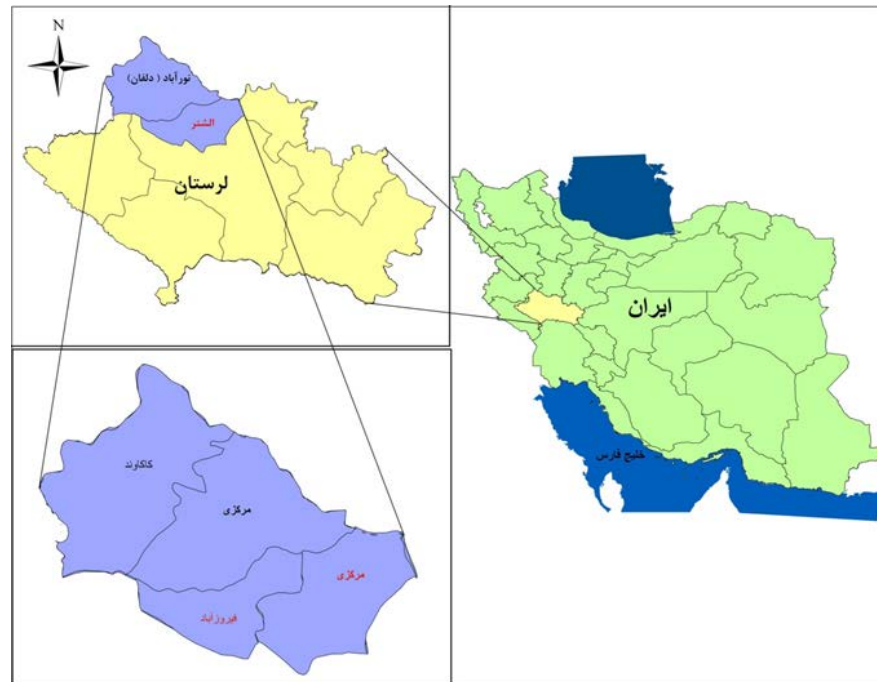
### موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد مطالعه

شهرستان نورآباد (دلفان)، یکی از شهرستان‌های استان لرستان به شمار می‌رود که در شمال غربی این استان واقع شده و مساحت آن حدود ۲۵۷۱ کیلومترمربع می‌باشد که در ارتفاع ۱۸۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته است. این شهرستان در موقعیت ۴۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳ دقیقه‌ی طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۲ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۲ دقیقه‌ی عرض شمالی واقع گردیده است. شهرستان نورآباد (دلفان) هم‌اکنون دارای ۲ بخش، ۱۰ دهستان و بیش از ۵۴۲ روستا است، که از این تعداد ۴۳۴ روستا مسکون و ۱۰۸ آبادی غیرمسکون هستند. این شهرستان متشکل از دو بخش مرکزی (شامل دهستان‌های خاوه‌ی جنوبی، خاوه‌ی شمالی، میربگ جنوبی، میربگ شمالی، نورآباد و نورعلی) و کاکاوند (شامل دهستان‌های اتیوند جنوبی، اتیوند شمالی، کاکاوند غربی و کاکاوند شرقی) است. این شهرستان از جنوب به شهرستان چگنی، از جنوب غرب به شهرستان کوه‌دشت، از جنوب شرق به شهرستان الشتر، از شمال شرق و شمال به نهاوند، از شمال به صحنه، از شمال غرب به هرسین، از غرب به کرمانشاه و ایلام محدود می‌شود. شهرستان الشتر نیز که هم‌اکنون در تقسیمات سیاسی سلسله خوانده می‌شود، در موقعیت ۴۸ درجه و ۱۵ دقیقه‌ی طول شرقی و ۳۳ درجه و ۵۱ دقیقه‌ی عرض شمالی و در شمال استان لرستان واقع شده است. شهر الشتر مرکز شهرستان سلسله می‌باشد که در دشتی به همین نام واقع شده است. این شهرستان با ۱۴۹۳ کیلومترمربع مساحت و ارتفاع ۱۶۰۰ متری از سطح دریا، از شمال به شهرستان نهاوند در استان همدان، از شمال غرب و بخشی از شمال با شهرستان دلفان، از جنوب و جنوب غرب به شهرستان خرم‌آباد، از غرب با شهرستان چگنی و از شمال شرق با شهرستان بروجرد هم‌مرز است. الشتر دارای ۲ بخش مرکزی و فیروزآباد و ۶ دهستان با نام‌های قلعه‌مظفری، فیروزآباد، یوسفوند، دوآب، هنام و قلاایی است (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲۵۸)، (نقشه ۱).

### یافته‌های بررسی

آثار بررسی شده در منطقه‌ی مورد مطالعه، شامل: تپه‌ها و محوطه‌های باستانی،





► نقشه ۱. نقشه‌ی ایران و موقعیت منطقه‌ی مورد مطالعه (شهرستان‌های سلسله و دلفان)، نگارندگان، ۱۳۹۶.

محوطه‌های کوچ‌نشینی، گورستان‌ها، غارها، امامزاده، راه‌ها، قلعه‌ها، پل‌ها، بناها و سنگ‌نگاره‌ها، قابل تقسیم‌بندی هستند که به‌طور کلی و براساس نمونه‌های به‌دست آمده (شامل: سکه، سفال و ابزارهای سنگی) از سطح تپه‌ها و محوطه‌ها مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی تا دوره‌ی معاصر هستند، اما در طی بررسی‌های نشانی از بقایای شهر، سد، بندها، آب‌انبار و ... مشاهده نشد؛ همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر آن رفت، از مهم‌ترین مواد فرهنگی یافت شده‌ی دوره‌ی پارتنی بر سطح محوطه‌های مربوط به این دوره، گونه‌های مختلف سفالی رایج این دوره به‌مانند دیگر مناطق غرب کشور است که از لحاظ فرم، شامل: کاسه، کوزه‌های گردن‌دار و بدون‌گردن، پیاله، دیگچه، بشقاب و ... هستند، هر چند که در برخی محوطه‌ها هم قطعاتی از خمره‌های بزرگ (به‌ویژه بدنه‌ها) مشاهده می‌شود. از دیگر یافته‌های فرهنگی بایستی به قطعات لاشه و قلوه‌سنگ و در برخی موارد همراه با گچ نیم‌کوب در تعدادی از محوطه‌ها (مانند مله‌قلا و ...) اشاره کرد که به احتمال زیاد از مصالح معماری موجود در محل بوده‌اند. از دیگر یافته‌ها، پیدا شدن یک سکه‌ی برنزی (در محوطه‌ی پت‌کوله) متعلق به مهرداد اول (۱۳۸/۹-۱۷۱ ق.م.) است (تصویر ۱). لازم به ذکر است که بیشتر محوطه‌های شناسایی شده‌ی دوره‌ی پارتنی در این منطقه کمتر از سه هکتار مساحت دارند که بایستی آن‌ها را در زمره‌ی روستاهای کوچک به حساب آورد و تپه‌قلابی (قلعه بی‌بی) با ۱۸ هکتار و چیاخزینه با ۸۰ متر، به ترتیب بزرگترین و کوچکترین محوطه‌های پارتنی در منطقه محسوب می‌شوند که در شهرستان سلسله واقع شده‌اند. از طرف دیگر، مرتفع‌ترین محوطه‌ی دوره‌ی پارتنی در منطقه‌ی مورد مطالعه، تپه چیاخسینی در شهرستان دلفان است که در ارتفاع ۲۰۹۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد و پست‌ترین محوطه‌ی این دوره، تپه و محوطه‌ی چم‌کبود است که در ارتفاع ۱۲۹۴ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد که

هر دو در شهرستان دلفان واقع شده‌اند. هر چند که عموم محوطه‌ها در ارتفاعات نسبتاً بالا از سطح دریا قرار گرفته‌اند؛ با این حال، هیچ‌گونه ارتباط معناداری از نظر وسعت بین بزرگی و کوچکی محوطه‌ها با ارتفاع از سطح دریا، نوع داده‌ها و دیگر فاکتورها همچون راه‌های ارتباطی و... دیده نشد. با توجه به این‌که نتایج بررسی بسیار رضایت‌بخش بود، اما به دلیل فقدان اطلاعات لایه‌نگاری بدون شک تا زمان انجام کاوش‌ها در محوطه‌های کلیدی در این منطقه، همچون: قلعه بی‌بی، چغاتقی و... اطلاعات و بررسی‌های محوطه‌های پارتی برپایه‌ی مقایسه‌های گونه‌شناختی با نواحی اطراف است.

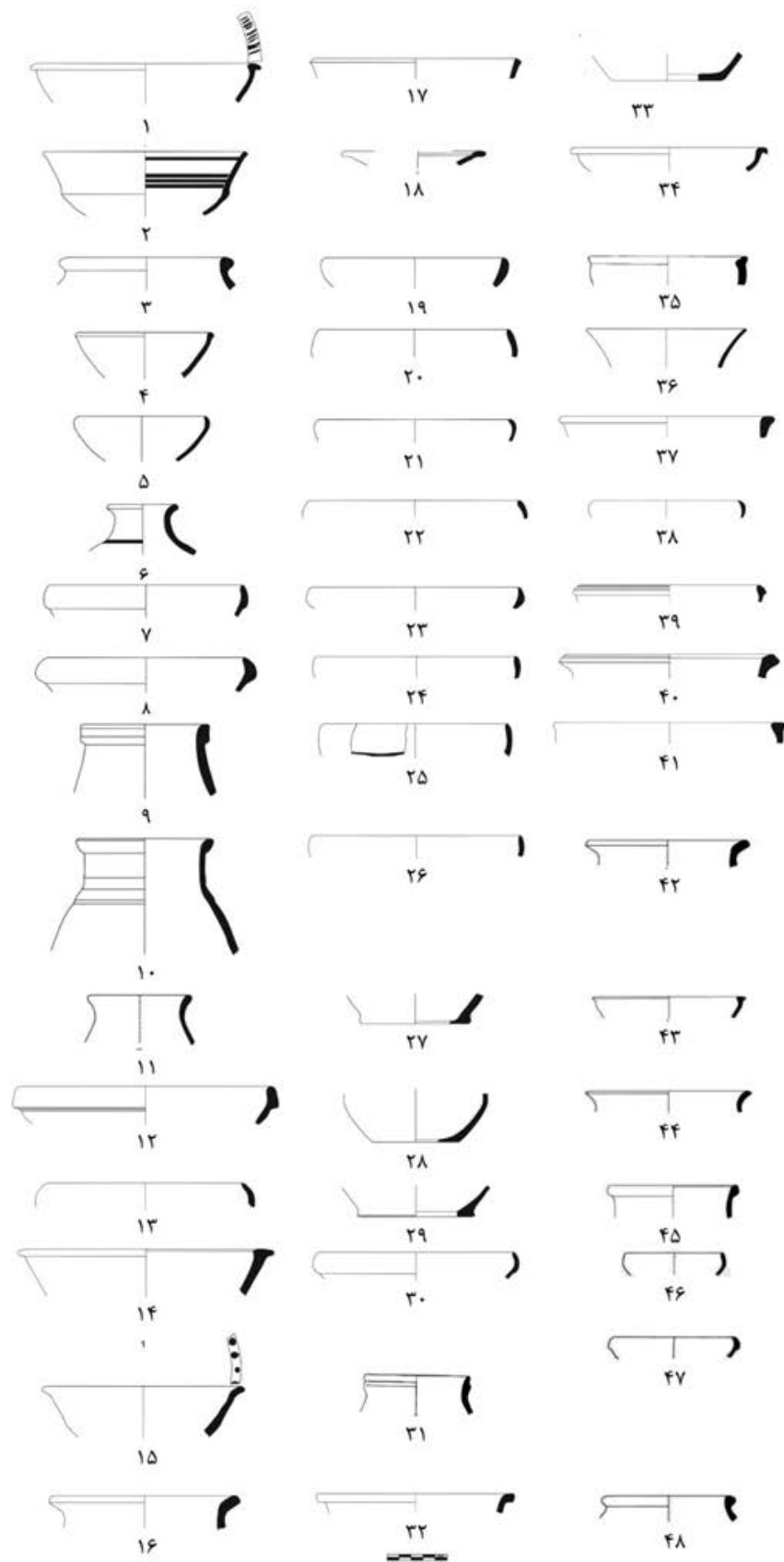


▲ تصویر ۱. سکه‌ی اشکانی؛ روی سکه: نیم‌رخ مهرداد اول با ریش بلند و موهای بافته به سمت راست و پیشانی‌بند تک‌نوازی. پشت سکه: تصویر فیل در حالت ایستاده به سمت راست و عبارت: ΜΕΓΑΛΟΥ در حاشیه که تلفظ آن «مگالو» یا «مگالوس» به معنای «کبیر» یا «بزرگ» است. توضیح: این سکه هشت کالکویی است و هشت کالکویی‌ها بزرگترین سکه‌های برنزی بودند که تنها در دوران سلطنت مهرداد اول و خسرو اول ضرب شدند و اوزان این سکه‌ها بسیار نامنظم بوده و بین ۱۲ تا ۱۹ گرم تغییر می‌کرده است (غلامی، ۱۳۹۲: ۳۴).

### محوطه‌های شناسایی شده در منطقه

منطقه‌ی مورد نظر از لحاظ سیمای محیطی شامل دره‌ها، دشت میان‌کوهی (با امتداد در جهت شمال غربی-جنوب شرقی) و کوهستان می‌باشد. این منطقه در ادبیات باستان‌شناسی بخشی از ناحیه‌ی پیشکوه لرستان است که از قابلیت‌های فراوانی در مطالعات باستان‌شناختی برخوردار می‌باشد و به دلیل داشتن ویژگی‌های طبیعی مناسب همچون منابع آبی غنی و زمین‌های مساعد کشاورزی، مراتع سرسبز و همچنین موقعیت خاص آن از نظر ارتباطی، یکی از مناطق مهم غرب ایران محسوب می‌شود. به طور کلی محوطه‌ها در مناطق کوهستانی، دشت‌ها و کوه‌پایه‌ها واقع شده‌اند. همان‌گونه که ذکر آن رفت در مجموع تعداد ۵۱۹ اثر باستانی (شامل: تپه، محوطه، پل، بنا، جاده‌ی سنگ‌فرش، قبرستان، قلعه و غار) با توجه به آثار سطحی شناسایی شده که قدیمی‌ترین آن‌ها محوطه‌ی چشمه‌کبود فتح‌آباد میربگ است که متعلق به دوره‌ی پارینه‌سنگی (گفتگو با کاظم امیدی، ۱۳۹۲) و جدیدترین آن‌ها نیز مربوط به قرون متأخر دوره‌ی اسلامی است که از این تعداد ۳۰۷ محوطه دارای آثار مربوط به دوره‌ی پارتی (براساس نمونه‌های سفالی این دوره، شامل: کلینکی، ساده، لعاب‌دار و منقوش که همگی آن‌ها چرخ‌ساز، دارای پخت کافی و شاموت کانی هستند. شایان ذکر است که سفال‌های مربوط به دوره‌ی پارتی در منطقه‌ی مورد مطالعه متأثر از الگوهای شناخته شده‌ی رایج در غرب کشور است که قابل مقایسه با مناطق و محوطه‌هایی مانند: بیستون (علی بیگی، ۱۳۸۹؛ کلایس، ۱۳۸۵؛ Kleiss, 1970)، غرب ایران (Hearinck, 1983)، نهاوند (رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰)، هگمتانه (آذرنوش و همکاران، ۱۳۹۲)، نوشیجان (Stronach 1969)، ماه‌نشان زنجان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳)، قلعه یزدگرد (Keal & Keal, 1981) و... هستند (شکل‌های ۱ و ۲؛ جداول ۱ و ۲) و شامل ۱۷۷ تپه، ۱۰۲ محوطه، ۱۸ قبرستان، ۵ غار، ۳ قلعه و ۲ بنا می‌باشند (نقشه ۲ و جدول ۳)؛ و تپه‌ها بلندی‌های مصنوعی هستند که بر اثر فعالیت‌های انسانی در سطح آن‌ها مواد فرهنگی دیده می‌شود و معمولاً در ابعاد و اندازه‌های مختلف هستند که به طور کلی یک یا چند دوره‌ی فرهنگی را دربر می‌گیرند و دارای لایه‌های متوالی استقراری هستند و نوع استقرار در آن‌ها نیز بیشتر دائمی بوده است. محوطه‌ها نیز ارتفاع چندانی نسبت به زمین‌های اطراف خود ندارند و در سطح آن‌ها نیز معمولاً سفال‌های مربوط به یک دوره‌ی قابل رؤیت است



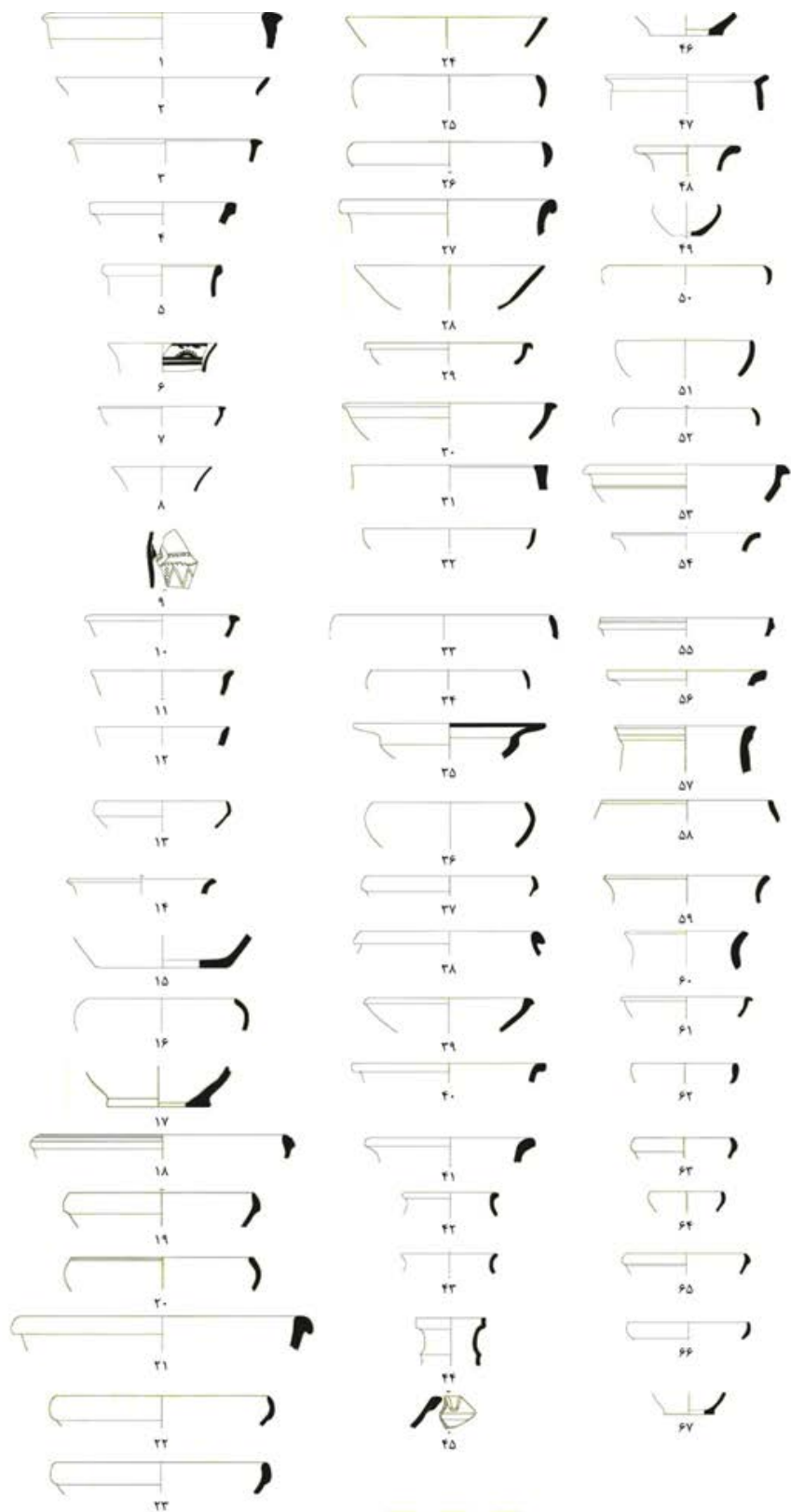


► شکل ۱. طرح نمونه‌هایی از سفال‌های پارسی شهرستان سلسله (نگارندگان، ۱۳۹۶).

که به احتمال زیاد این‌گونه محوطه‌ها، استقرارگاه‌های فصلی و مربوط به گروه‌های کوچ‌رو بوده‌اند. به‌طور کلی از مجموع ۳۰۷ محوطه دارای بقایایی از دوره‌ی پارسی؛ تعداد ۱۴۷ محوطه در شهرستان سلسله (تعداد ۱۱ اثر در دهستان یوسفوند، ۷ اثر در دهستان قلعه مظفری، ۳۵ اثر در دهستان فیروزآباد، ۱۵ اثر در دهستان دوآب، ۳۶ اثر

جدول ۱. مشخصات فنی نمونه‌ی سفال‌های بررسی و شناسایی محوطه‌های پارسی شهرستان سلسله (نگارندگان، ۱۳۹۶).

ردیف	نام محوطه	نوع قطعه	گونه سفال	رنگ خمیره	پوشش درونی	پوشش بیرونی	کیفیت ساخت	تزئین	محل تزئین	منبع مقایسه
۱	محوطه پت کوله	لبه	مقشوش	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	روی لبه	Keal & Keal, 1981, fig 18:22
۲	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 14:5 کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۱۱، شکل ۹
۳	"	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	ظریف	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 8:12
۴	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۱۰، شکل ۸
۵	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:21; رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۱۰؛ کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۶	"	لبه و گردن	مقشوش	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	مقشوش	سطح بیرونی	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۱، طرح ۸: ۱۲
۷	محوطه شائبله	لبه	کلینکی	خاکستری	خاکستری	خاکستری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 15:10; Kleiss 1970, Abb 28:4; رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۹
۸	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 8:15; رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۲۵؛ افشاری و نقشبند، ۱۳۹۳: ۲۱، طرح ۴: ۲؛ کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۹	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۱، طرح ۳: ۸	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۱، طرح ۳: ۸
۱۰	"	لبه	کلینکی	خاکستری	خاکستری	خاکستری	ظریف	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 28:8
۱۱	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:35; کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۷، طرح ۴: ۴؛ خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۱، طرح ۵: ۷؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۲، طرح ۵: ۴
۱۲	تپه مله قلا عدل آباد	لبه	ساده	قهوهای	قهوهای	قهوهای	متوسط	-	-	Haerincq 1983, fig 15:10
۱۳	"	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	ظریف	-	-	خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۸، شکل ۶: ۷؛ رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۱۲
۱۴	تپه قبرستان بیژنوند	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 17:3
۱۶	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	متوسط	-	-	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۲، طرح ۴: ۱
۱۷	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۱، طرح ۹: ۸	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۱، طرح ۹: ۸
۱۸	"	لبه	لامبادار	نخودی	فیروزه‌ای	نخودی	ظریف	لامبادار	سطح بیرونی	Keal & Keal, 1981, fig 20:8
۱۹	تپه قلعه بی بی	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۸، شکل ۵
۲۰	"	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۲۴
۲۱	"	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۲۲	"	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۲۳	"	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۲۸؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۲، طرح ۴: ۱۶
۲۴	"	لبه	ساده	خاکستری	کرم	کرم	ظریف	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۲۵	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۲۶	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 28:4; رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۸
۲۷	"	کف	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۱۰، شکل ۷
۲۸	"	کف	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۹، شکل ۲: ۲
۲۹	"	کف	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۰، شکل ۴: ۳۰؛ کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۰۹، شکل ۶
۳۰	محوطه چشمه زیبا	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 15:8 Stronach 1969, p 17: No 14&15
۳۱	"	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:50
۳۲	"	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	متوسط	-	-	کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۱۸، شکل ۲۳
۳۳	تپه ترکس دول	کف	ساده	کرم آجری	کرم آجری	کرم آجری	متوسط	-	-	Haerincq 1983, fig 19:1 کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۱۵ و ۱۱۶، شکل ۱۶ و ۲۱
۳۴	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۲، طرح ۴: ۱۶
۳۵	"	لبه	کلینکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:28
۳۶	تپه سید حسینی	لبه	کلینکی	کرم	کرم	کرم	ظریف	-	-	خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۸، شکل ۸: ۴؛ کلاسی، ۱۳۸۵: ۱۱۷، شکل ۲۳
۳۷	"	لبه	کلینکی	قرمز	قرمز آجری	قرمز آجری	متوسط	-	-	-
۳۸	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:21 علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۲، طرح ۴: ۱۶
۳۹	تپه چشمه شاهقلی	لبه	ساده	آجری	کرم	کرم	متوسط	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:9
۴۰	"	لبه	کلینکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	متوسط	-	-	-
۴۱	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	-
۴۲	تپه پاچا تمبله	لبه	ساده	قرمز	قرمز	قرمز	متوسط	-	-	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۲، شکل ۴: ۱
۴۳	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	Kleiss 2006, p 114, fig 13
۴۴	"	لبه	کلینکی	خاکستری	نارنجی	نارنجی	ظریف	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 29:4 محمدی فر، ۱۳۸۴: ۳۵۵، لوح ۱۱: ۲۶
۴۵	محوطه پاچا تمبله	لبه	ساده	قرمز	قرمز	قرمز	ظریف	-	-	Keal & Keal 1981: fig 18: 6
۴۶	تپه اولادعلی	لبه	کلینکی	خاکستری	نارنجی	نارنجی	ظریف	-	-	Alibaigi et al 2012, P1.3: 5
۴۷	تپه گرشاهی	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	Haerincq 1983, fig 15:10 Stronach 1969, p 17: No 14
۴۸	قلعه چنگیزی	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	ظریف	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 8:12

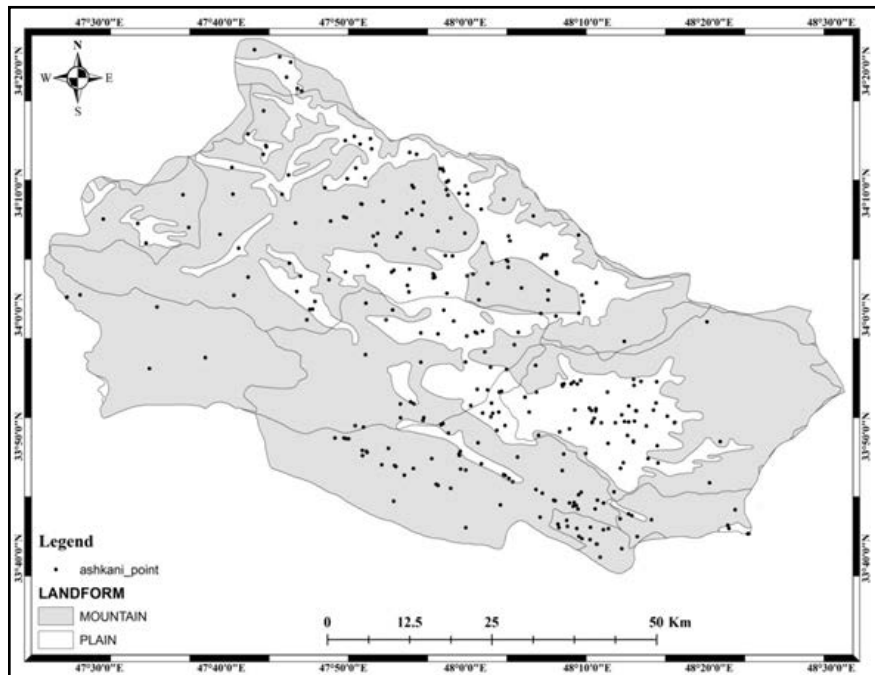


شکل ۲. طرح نمونه‌هایی از سفال‌های پارسی شهرستان دلفان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

جدول ۲. مشخصات فنی نمونه‌های سفال‌های  
بررسی و شناسایی محوطه‌های پارتی شهرستان  
دلفان (نگارندگان، ۱۳۹۶).<sup>۱</sup>

ردیف	نام محوطه	نوع قطعه	گونه سفال	رنگ خمیره	پوشش درونی	پوشش بیرونی	کیفیت ساخت	تزئین	محل تزئین	منبع مقایسه
۱	چنا تقی	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	متوسط	-	-	خسروزاده و عالی ۱۳۸۳: ۵۷، شکل ۴
۲	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۶، شکل ۳
۳	"	لبه	ساده	کرم	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	Keal & Keal 1981: fig 17: 16
۴	"	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	متوسط	-	-	Keal & Keal 1981: fig 18: 7
۵	"	لبه	کلیئکی	قرمز	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Keal & Keal 1981: fig 18: 6
۶	"	لبه	منقوش	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	منقوش	داخل	محمدی، ۱۳۸۳: ۳۳۸، لوح ۵
۷	محوطه اشتر کلوم	لبه	ساده	نخودی	کرم	نخودی	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۴، شکل ۱۳
۸	"	لبه	ساده	کرم	قرمز	کرم	ظریف	-	-	خسروزاده و همکاران ۱۳۸۵: شکل ۸، ۳ کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۷، شکل ۲۲
۹	"	بدنه	کلیئکی	خاکستری	دارچینی	قهوه‌ای	ظریف	نقش‌کنده	خارج	Haerincq 1983, fig 14:2 Keal & Keal 1981: fig 28: 21-22 کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۶، شکل ۱۷
۱۰	ته بابا محمد سنجابی	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۴، شکل ۱۳
۱۱	"	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	خسروزاده و عالی ۱۳۸۳: ۶۶، طرح ۱۳: ۵
۱۲	ته بلورانی	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	Stromach 1969, p 17: No 13
۱۳	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 15:10 رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۸، شکل ۴، ۳ کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹ و ۱۱۵، شکل‌های ۵
۱۴	"	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۱، شکل ۹
۱۵	"	کف	کلیئکی	کرم آجری	کرم آجری	کرم آجری	متوسط	-	-	Haerincq 1983, fig 19:1 کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۶، شکل‌های ۲۱
۱۶	ته پشت تنگ دوستلی	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	خسروزاده و عالی ۱۳۸۳: ۶۴، طرح ۱۰: ۵۴ کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۱۷	"	کف	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۰، شکل ۷
۱۸	ته زرین ده سفید	لبه	ساده	آجری	کرم	کرم	متوسط	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:9
۱۹	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	دارچینی	دارچینی	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 15:10 کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۶، شکل ۲۰
۲۰	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	دارچینی	دارچینی	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۲۱	ته گلین	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 18:1
۲۲	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 15:8 Stromach 1969, p 17: No 14&15
۲۳	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 15:10 Stromach 1969, p 17: No 14 رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۸، شکل ۴، ۳
۲۴	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 5:3, Stromach 1969, p 17: No 12
۲۵	چنا فرهاد	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:21 رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۸، شکل ۴، ۳ کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۲۶	"	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 25:15 رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۸، شکل ۴، ۳ کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۲۷	چنا چمن	لبه	کلیئکی	قرمز	قرمز	نارنجی	متوسط	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 18:1
۲۸	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 5:3; Stromach 1969, p 17: No 12
۲۹	"	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	علی‌بیگی ۱۳۸۹: ۵۹، طرح ۱۴: ۱
۳۰	چنا خچی	لبه	کلیئکی	آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	متوسط	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۱، شکل ۱۰
۳۱	چنا موئله	لبه	ساده	سبز	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	علی‌بیگی ۱۳۸۹: ۵۹، طرح ۱۷: ۱
۳۲	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۳۳	ته حاجی آباد	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶
۳۴	"	لبه	ساده	خاکستری	خاکستری	خاکستری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶ Kleiss 1970, Abb 28:1
۳۵	ته حسن آباد سنجابی	لبه	منقوش	کرم	کرم	کرم	متوسط	منقوش	داخل	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۱، شکل ۹
۳۶	ته دم کمر	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶ بیک‌محمدی و نظری‌ارشد، ۱۳۹۶: ۱۱۲، تصویر ۶-الف ۱
۳۷	"	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Stromach 1969, p 17: No 14&15 Kleiss 1970, Abb 28:4 کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹، شکل‌های ۵-۶ رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۸، شکل ۴، ۳
۳۸	ته سنگر گلیانی	لبه	ساده	آجری روشن	آجری روشن	آجری روشن	متوسط	-	-	Keal & Keal 1981: fig 18: 1 رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۸، شکل ۴، ۳ کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۵، شکل ۱۶
۳۹	"	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۸، شکل ۲۳
۴۰	ته سه برادران	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	متوسط	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۸، شکل ۲۳
۴۱	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۸، شکل ۲۳
۴۲	ته سیصد منی	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۱، شکل ۹
۴۳	"	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:58
۴۴	"	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Keal & Keal 1981: fig 29: 4 & fig 14: 2
۴۵	ته شرف آباد سفلی	بدنه	ساده	خاکستری	خاکستری	خاکستری	ظریف	-	-	علی‌بیگی ۱۳۸۹: ۶۵، طرح ۷۸: ۷
۴۶	"	کف	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۰، شکل ۷
۴۷	ته شرف چواری	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	خسروزاده و عالی ۱۳۸۳: ۵۹، طرح ۱۰: ۱
۴۸	ته علی آباد بکرزگی	لبه	ساده	قرمز آجری	کرم	کرم	متوسط	-	-	علی‌بیگی ۱۳۸۹: ۶۲، طرح ۹: ۴
۴۹	"	کف	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	علی‌بیگی ۱۳۸۹: ۶۵، طرح ۷۸: ۷ خسروزاده و همکاران ۱۳۸۵: ۶۹، شکل ۳: ۷
۵۰	ته فاضل آباد	لبه	کلیئکی	قرمز آجری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Kleiss 1970, Abb 26:21 علی بیگی ۱۳۸۹: ۶۴، طرح ۱۶: ۱
۵۱	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 19:10 Kleiss 1970, Abb 28:1&4
۵۲	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	خسروزاده و همکاران ۱۳۸۵: ۶۸، شکل ۷: ۶
۵۳	ته قاضی خانی	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	متوسط	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 19:33
۵۴	"	لبه	ساده	خاکستری	نخودی	نخودی	ظریف	-	-	Keal & Keal, 1981, fig 13:26
۵۵	ته قبرستان مرادجان	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	خسروزاده و عالی ۱۳۸۳: ۶۱، طرح ۸: ۱ و طرح ۱۲: ۴
۵۶	ته کرم آباد علی	لبه	ساده	کرم	کرم	کرم	متوسط	-	-	کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۶، شکل ۱۸
۵۷	"	لبه	ساده	نخودی	نخودی	نخودی	متوسط	-	-	علی‌بیگی ۱۳۸۹: ۶۱، طرح ۴: ۴
۵۸	ته گلستانه	لبه	کلیئکی	خاکستری	قرمز آجری	قرمز آجری	ظریف	-	-	Haerincq 1983, fig 16:4

Kcal & Kcal, 1981, fig 29-4	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	"	۵۹
خسروزاده و عالی ۱۳۳۳: ۶۱ طرح ۱۲	-	-	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	ساده	لیه	محوطه گلین	۶۰
علی بیگی ۱۳۸۸: ۵۹ طرح ۱۶:۱ و طرح ۱۶:۲	-	-	ظریف	کرم	کرم	کرم	ساده	لیه	"	۶۱
رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۵ شکل ۴:۴	-	-	ظریف	قرمز آجری	قهوه‌ای	خاکستری	کلیئکی	لیه	تپه گوپزه	۶۲
کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۰۸ شکل ۵	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	"	۶۳
Stronach 1969, p 17: No 14	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	"	۶۴
رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۵ شکل ۴:۴	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	"	۶۴
Haerincq 1983, fig 15:3	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	"	۶۴
رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۵ شکل ۴:۴ و ۱۲	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	تپه وناوله	۶۵
Haerincq 1983, fig 15:10	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	"	۶۶
رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۵ شکل ۴:۴	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	لیه	"	۶۶
Haerincq 1983, fig 15:7	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	کف	"	۶۷
کلاسیس، ۱۳۸۵: ۱۱۰ شکل ۷	-	-	ظریف	قرمز آجری	قرمز آجری	خاکستری	کلیئکی	کف	"	۶۷



► نقشه ۲. پراکندگی محوطه‌های پارتنی شمال و شمال غربی استان لرستان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

► جدول ۳. درصد محوطه‌های شناسایی شده (نگارندگان، ۱۳۹۶).

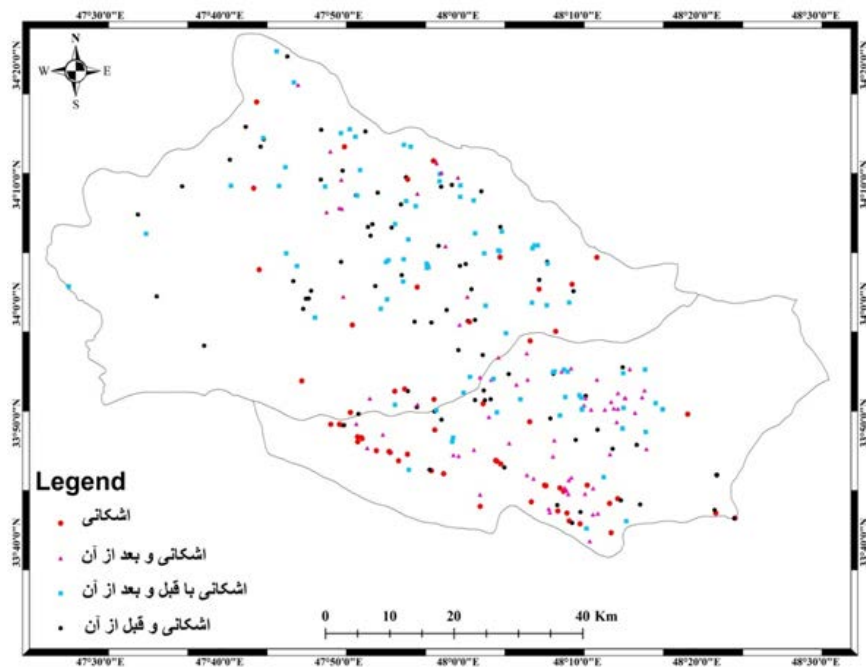
شماره	نوع اثر	تعداد	درصد
۱	تپه	۱۷۷	۵۷/۶۵
۲	محوطه	۱۰۲	۳۳/۲۲
۳	قبرستان	۱۸	۵/۸۶
۴	غار	۵	۱/۶۲
۵	قلعه	۳	۰/۹۷
۶	بنا	۲	۰/۶۵
۷	مجموع	۳۰۷	۱۰۰

در دهستان قلابی و ۴۱ اثر هم در دهستان هنام) و ۱۶۲ محوطه هم در شهرستان دلفان (۱۹ اثر در دهستان نورآباد، ۲۱ اثر در دهستان‌های خاوه‌ی شمالی و جنوبی، ۵۰ اثر در دهستان‌های کاکاوند شرقی و غربی، ۱۹ اثر در دهستان نورعلی، ۲۶ اثر در دهستان‌های ایتیوند شمالی و جنوبی و ۲۷ اثر هم در دهستان‌های میربگ شمالی و جنوبی) قرار دارند (جدول ۴).

جدول ۴. درصد محوطه‌های شناسایی شده به تفکیک هر شهرستان و دهستان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شماره	شهرستان	تعداد محوطه‌های هر شهرستان	نام دهستان	تعداد محوطه‌های هر دهستان	درصد (به تفکیک دهستان)	درصد (به تفکیک شهرستان)
۱	سلسله	۱۴۵	یوسفوند	۱۱	۳/۵۸	۴۷/۲۳
			قلعه مظفری	۷	۲/۲۸	
			فیروزآباد	۳۵	۱۱/۴۰	
			دوآب	۱۵	۴/۸۸	
			قلایی	۳۶	۱۱/۷۲	
			هنام	۴۱	۱۳/۳۵	
۲	دلفان	۱۶۲	نورآباد	۱۹	۶/۱۸	۵۲/۷۷
			خاوه (شمالی و جنوبی)	۲۱	۶/۸۴	
			کاکاوند (شرقی و غربی)	۵۰	۱۶/۲۸	
			نورعلی	۱۹	۶/۱۸	
			ایتیوند (شمالی و جنوبی)	۲۶	۸/۴۶	
			میربگ (شمالی و جنوبی)	۲۷	۸/۷۹	
۳	جمع کل	۳۰۷	۱۶	۱۰۰	۱۰۰	

نقشه ۳. پراکنش محوطه‌های پارسی از نظر شمول دوره‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۶).



### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌طوری که گفته شد بیشتر آثار باستانی مربوط به دوره‌ی پارسی تپه‌ها و محوطه‌های باستانی هستند و به‌طور کلی میانگین ارتفاع کلی استقرارهای شناسایی شده این دوره نسبت به آب‌های آزاد حدود ۱۷۰۲ متر می‌باشد. این شاخصه معمولاً به‌عنوان عاملی بسیار مهم در زمینه‌ی تأثیرگذاری بر اقلیم و زیست‌بوم شناخته می‌شود و به‌دلیل ارتباط مستقیمی که با میزان بارش، تنوع آب و هوایی، پوشش گیاهی، گونه‌های جانوری، و مهم‌تر از همه، شکل‌گیری استقرارها دارد، بسیار حائز اهمیت است. همچنین میانگین مساحت این استقرارها حدود ۱/۴ هکتار است که این شاخصه به احتمال نشان‌دهنده‌ی اندازه‌ی کارکرد محوطه‌ها است و به‌نظر می‌رسد که بین اندازه‌ی مکان‌های باستانی و درجه‌ی پیچیدگی و اقتصادی آن‌ها ارتباط نزدیکی وجود داشته باشد و در این رابطه، گمان بر این است که هرچه مکان،



بزرگتر باشد، خدمات اداری و اجتماعی بیشتری ارائه می‌دهد و از این رو نسبت به مکان‌های کوچکتر، نظام اداری و اقتصادی پیچیده‌تری دارد (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۹۷)؛ هرچند که برای آگاهی این مسائل نیازمند کاوش‌های گسترده‌ی باستان‌شناسی است و شیوه‌ی سنتی تعیین اهمیت محوطه‌های باستانی، اندازه‌گیری مساحت محوطه است و بررسی تفاوت اندازه‌ها نیز بی‌فایده نیست، زیرا با این کار می‌توان به دلایل تفاوت اندازه‌ها پی‌برد (Hole, 1987: 89). میانگین فاصله‌ی محوطه‌ها هم نسبت به منابع آبی موجود حدود ۲۱۸ متر است و همان‌گونه که می‌دانیم آب از پایه‌ای‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای انسان در تمامی ادوار بوده است و منابع آب و سهولت دسترسی به آن همواره نقش مهمی در شکل‌گیری استقرارها از گذشته تا به امروز داشته و شاخصه‌ای مهم برای تحلیل آن‌ها به‌شمار می‌آید و با توجه به این که منطقه‌ی مورد مطالعه در منطقه‌ی کوهستانی زاگرس مرکزی واقع گردیده و دارای بارندگی نسبتاً خوبی است، از منابع آبی غنی و فراوانی برخوردار می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که ما شاهد منابع آبی فراوان، مانند: رودخانه‌های کاکارضا، کهمان، زز، هنام، خاوه، کنگاوری، بادآور، گچینه، چم‌زکریا، گیزه‌رود، گلم‌بحری و... و همچنین سراب‌ها و چشمه‌سارهای فراوان در این منطقه هستیم. همچنین در مورد کاربری اراضی و پوشش گیاهی منطقه بایستی گفت که منطقه‌ی شمال و شمال غربی لرستان از نظر پوشش گیاهی بسیار غنی و پوشیده از انواع درختان جنگلی و گیاهان خودرو است و از طرفی نیز در این مناطق محصولات زراعی مختلفی کشت می‌شود. همان‌گونه که می‌دانیم پوشش گیاهی هر منطقه‌ای می‌تواند نقش مهمی را در رژیم غذایی، سبک معیشت، اقتصاد، بازرگانی و... داشته باشد و همان‌گونه که پیش‌تر ذکر آن رفت، احتمالاً پوشش گیاهی این منطقه در دوره‌ی پارتنی نسبت به امروز تغییرات چندانی نداشته و بنابراین این عوامل قابل مقایسه با دوره‌ی مورد مطالعه را دارند. لازم به ذکر است که از مجموع ۳۰۷ محوطه‌ی پارتنی شناسایی شده ۱۹/۵۴ درصد از آن‌ها تک‌دوره‌ای پارتنی بودند، ۲۷/۶۸ درصد دارای آثار اشکانی و دوره‌های قبل از آن، ۲۲/۴۷ درصد دارای آثار دوره‌ی اشکانی و دوره‌های بعد از آن و ۳۰/۲۹ درصد از کل محوطه‌ها دارای آثار قبل از اشکانی، اشکانی و بعد از اشکانی بودند (نقشه‌ی ۳).

### نتیجه‌گیری

شهرستان‌های سلسله و دلفان به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد منابع و عوامل طبیعی، مانند: زمین‌های حاصلخیز کشاورزی، وجود دشت‌های الشتر و نورآباد در این منطقه، به‌عنوان دو نمونه از دشت‌های مهم میان‌کوهی زاگرس مرکزی، موقعیت استراتژیکی، ویژگی‌های اقلیمی و آب‌وهوایی مناسب، منابع آبی فراوان و دسترسی آسان به آن، شبکه‌ی راه‌های ارتباطی مناسب، مناطق کوهستانی پیرامونی با پوشش گیاهی متنوع، مرتع مناسب و... زمینه را برای فعالیت‌های مختلف انسانی از قبیل کشاورزی و دامداری مهیا کرده است و همین امر باعث شکل‌گیری و رونق استقرارها و آثار فراوان در این مناطق شده است؛ به طوری که براساس شواهد سطحی باستان‌شناسی، ما شاهد استمرار استقرارها از

دوره‌ی پارینه‌سنگی تا به امروز در این منطقه هستیم، به‌گونه‌ای که در طی بررسی در مجموع تعداد ۵۱۹ اثر شناسایی گردید که ۳۰۷ محوطه دارای آثار مربوط به دوره‌ی پارتنی هستند (نقشه ۳) و براساس داده‌های سطحی (عمدتاً سفال) این‌گونه به نظر می‌رسد که در دوره‌ی پارتنی به‌طور گسترده‌ای این منطقه مورد سکونت بوده است. چراکه تراکم سکونت‌گاه‌های این دوره نسبت به دوره‌های قبل و حتی بعد از آن نیز بیشتر است و می‌توان گفت که افزایش محوطه‌های پارتنی در این منطقه می‌تواند به دلیل افزایش جمعیت (چون افزایش جمعیت بعضاً باعث می‌شود که انسان مناطقی که از نظر محیطی هم مناسب نیستند را مورد استفاده و سکونت قرار دهد)، حکومت طولانی مدت (حدود ۵۰۰ ساله) پارتنیان، تعدد جابه‌جایی‌های فصلی، حاصل‌خیزی و دسترسی آسان به منابع، ثبات منطقه از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فیزیکی و... بوده باشد و البته همان‌گونه که پیش‌تر ذکر آن رفت؛ این نوع از تراکم در نقاط دیگری از غرب کشور هم مشاهده شده است. محوطه‌های این منطقه عمدتاً در دو حوزه‌ی طبیعی، یعنی کوهستان و دشت، قرار گرفته‌اند و ساکنان آن‌ها به منابع طبیعی هر دو حوزه نیز دسترسی داشته‌اند؛ هرچند که تراکم استقرارها در دشت‌ها بیشتر است، اما وجود استقرارهای کوچک در دشت‌های الشتر و نورآباد به‌عنوان عاملی مهم در جلوگیری از تمرکزگرایی و توزیع متعادل جمعیت در منطقه حائز اهمیت و توجه است؛ البته عمده محوطه‌های شناسایی شده در طی بررسی در مناطق کوهستانی نیز از نوع استقرارهای فصلی به حساب می‌آیند. در پایان، بایستی گفت که سیمای پراکندگی محوطه‌های باستانی شناسایی شده نشانگر این موضوع است که بیشتر استقرارهای منطقه به شکل واحدهای روستایی بوده‌اند (حدود ۹۰ درصد استقرارها کمتر از سه هکتار وسعت دارند) و شواهدی از مراکز شهری شناسایی نشد که احتمالاً بیانگر این مهم است که منطقه‌ی مورد مطالعه در این دوره ناحیه‌ای حاشیه‌ای و تَه‌چندان مهم در امور تجاری و سیاسی بوده است. به‌هرحال عدم وجود محوطه‌های بزرگ و مرکزی به احتمال زیاد حاکی از خلأ اداری در این منطقه بوده است؛ هرچند که فقدان این‌گونه استقرارها را می‌توان با وجود استقرارگاه‌های بزرگتری در سایر مناطق مانند کرمانشاه، نهاوند، هرسین و ملایر توجیه کرد؛ هرچند این را نیز می‌دانیم که در دوره‌ی پارتنی در بسیاری از مناطق گرایش به روستانشینی و کوچ‌نشینی بیشتر از تمرکزگرایی بوده است (برعکس دوره‌ی ساسانی) و شاید بتوان کوچک بودن مساحت استقرارهای پارتنی را با این دلیل نیز توجیه نمود. به‌هرحال تعداد زیاد محوطه‌های با مساحت زیر سه هکتار می‌تواند بیانگر عدم برنامه‌ریزی و ساماندهی جمعیت ساکنان منطقه باشد. شایان ذکر است که برخی از محوطه‌های این دوره از محوطه‌های دیگر بزرگتر هستند که این‌ها را به نحوی می‌توان محوطه‌های مرکزی به حساب آورد و بدون شک بزرگترین و مهم‌ترین تپه‌ی مربوط به این دوره، تپه‌ی قلعه بی‌بی (در غرب دشت الشتر و به فاصله‌ی حدود ۲۰ کیلومتری شهر الشتر) با مساحتی در حدود ۱۸ هکتار است. نتایج حاصل از این بررسی به دلیل فقدان اطلاعات لایه‌نگاری نسبی است که یقیناً برای تفسیر و دید واقعی‌تر از وضعیت منطقه در طی دوران حکومت پارتنیان بایستی در چند

محوطه‌ی کلیدی (مانند قلعه بی بی) کاوش‌های هدفمند انجام گیرد تا اطلاعات ارزشمندی را از این دوره در منطقه به دست بیاوریم و یقیناً این‌گونه کاوش‌ها در روشنگری وضعیت منطقه در این دوره بسیار حائز اهمیت می‌باشند.

### سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از اداره‌ی کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان به دلیل موافقت با انجام بررسی قدردانی نمایند. همچنین از آقایان سجاد علی بیگی، داوود داوودی، محمدرضا محمدیان، لطیف لطیفی، احمد پرویز، کاظم امیدی، حمید خانعلی، سعید بهرامی، حسین صدیقیان، نجف یاری نیا و مراقبین آثار فرهنگی شهرستان‌های سلسله و دلفان که هر یک به نحوی ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگزاریم.

### کتابنامه

- آذرنوش، مسعود؛ شریفی، علی؛ و نوروزی، آصف، ۱۳۹۲. «معرفی و دسته‌بندی سفال‌های اشکانی به دست آمده از کاوش‌های دور دوم تپه هگمتانه»، در: مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ شهر همدان به مناسبت یک صدمین سالگرد کاوش در همدان، به کوشش: علی هژبری، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، صص: ۱۸۸-۱۷۳.
- اسماعیلی، خدیجه، ۱۳۷۹. فهرست نقاط جغرافیایی استان لرستان. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان: خرم‌آباد.
- ایزدپناه، حمید، ۱۳۷۶. تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افشاری، لیل؛ و نقشینه، امیرصادق، ۱۳۹۳. «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوره‌ی اشکانی گورستان سنگ شیر همدان»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، پاییز و زمستان، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۷، صص: ۱۱۳-۱۳۲.
- بیک محمدی، خلیل‌الله؛ و نظری‌ارشد، رضا، ۱۳۹۶. «تحلیل تأثیر زمین‌سینما در شکل‌گیری، پراکنش و افول استقرارهای دوره‌ی اشکانی شهرستان تویسرکان مبتنی بر بررسی باستان‌شناختی». فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، تابستان، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱۳، صص: ۱۰۳-۱۲۲.
- خسرو زاده، علیرضا؛ و عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه‌ی ماه‌نشان (زنگان)». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه‌ی شمال غرب، به کوشش مسعود آذرنوش، صص: ۷۱-۴۵.
- خسروزاده، علیرضا؛ عالی، ابوالفضل؛ کنت، درک؛ و پرستمن، ست، ۱۳۸۵، «کهور لنگرچینی: بندرگاهی اشکانی بر ساحل خلیج فارس». در: گزارش‌های باستان‌شناسی ۵، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۷۱-۵۵.
- خسروی، لیل، ۱۳۸۹. «بررسی و شناسایی حوضه‌ی آبگیر سد تنگ معشوره

- لرستان». پژوهش‌شکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- داودی، داود، ۱۳۸۵. «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر(دهستان‌های فیروزآباد، یوسفوند و قلعه مظفری)». آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان لرستان (منتشر نشده).
- داودی، داود، ۱۳۸۵. «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر (دهستان‌های فیروزآباد، یوسفوند و قلعه مظفری)». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- داودی، داود، ۱۳۸۶. «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر (دهستان دوآب)». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی؛ و علی بیگی، سجاد، ۱۳۹۰، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به منظور مکان‌یابی معبد لائودیسه در نهاوند». *مجله پیام باستان‌شناسی*، سال هشتم، شماره پانزدهم، صص: ۱۳۳-۱۶۰.
- سبزی‌دوآبی، موسی؛ هژبری‌نوبری، علیرضا؛ خادمی‌ندوشن، فرهنگ؛ و موسوی‌کوهپیر، سید مهدی، ۱۳۹۲، «بررسی و تحلیل الگوی استقرار دشت خاوه در دوره‌ی اشکانی». *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، دانشگاه تربیت مدرس، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص: ۱۴۵-۱۶۹.
- سبزی‌دوآبی، موسی، ۱۳۸۸. «گزارشات پرونده‌های ثبتی و تعیین حریم شهرستان دلفان». مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان، (منتشر نشده).
- سبزی‌دوآبی، موسی، ۱۳۸۹، «گزارشات پرونده‌های ثبتی و تعیین حریم شهرستان دلفان». مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- سجادی، علی، ۱۳۷۷. «گزارش بررسی و شناسایی شهرستان الشتر ۷۷-۱۳۷۶». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- سجادی، علی، ۱۳۷۷. «گزارش بررسی و شناسایی شهرستان الشتر ۷۷-۱۳۷۶». آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان لرستان، (منتشر نشده).
- شهبازی، سیاوش، ۱۳۸۱. «بررسی باستان‌شناختی استقرارهای دوره اشکانی در زاگرس مرکزی (منطقه نورآباد لرستان)». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی: دکتر فرهنگ خادمی‌ندوشن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- طلایی، حسن؛ سعیدی‌هرسینی، محمدرضا؛ و چایچی امیرخیز، احمد، ۱۳۸۵. «گزارش مقدماتی بررسی الگوهای استقرار عصر مفرغ دشت نهاوند(سرچشمه گاماسیاب)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. دانشگاه تهران، دوره‌ی ۵۷، شماره‌ی ۵، صص: ۴۷-۶۵.
- عبدالهی، مصطفی؛ و سرداری‌زارچی، علیرضا، ۱۳۸۵. «گزارش مقدماتی فصل اول بررسی و شناسایی شهرستان ازنا». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه‌ی غرب*، کرمانشاه، صص: ۴۷-۶۰.
- علی بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه

پارسی بیستون». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم، شماره‌ی سوم، صص: ۳۹-۷۰.

- علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، *تئوری و عمل در باستان‌شناسی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی.  
- غلامی، کیارش، ۱۳۹۲، *سکه‌های اشکانی*. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه.

- کلایس، ولفرام، ۱۳۸۵ الف، «محوطه‌ی معروف به دامنه‌ی پارسی»، در: *بیستون کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۶۷-۱۹۶۳*. ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات، اداره کل امور فرهنگی، صص: ۱۰۵-۱۲۰.

- گاراژیان، عمران، ۱۳۸۰. «گزارش مقدماتی نخستین و دومین فصل بررسی و شناسایی نورآباد دلفان». سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).

- گاراژیان، عمران، ۱۳۸۱، «گزارش مقدماتی سومین فصل بررسی و شناسایی نورآباد دلفان»، سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).

- گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ و پایلی یزدی، لیلا، ۱۳۸۴، «الگوی استقرار در دشت خاوه و منطقه میرپگ زاگرس مرکزی: بر اساس بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه». *مجله پیام باستان‌شناس*، سال دوم، شماره‌ی چهارم، پاییز و زمستان، صص: ۲۱-۵۸.

- محمدیان، محمدرضا، ۱۳۹۳، «بررسی و شناسایی آثار باستانی دهستان کاکاوند شهرستان دلفان». سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، (منتشر نشده).  
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۴، «بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی». رساله‌ی دکترا، به راهنمایی: محمدرحیم صراف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۶، «نگاهی به دستاوردهای طرح پژوهشی بررسی باستان‌شناسی شهرستان صحنه»، *مجله مطالعات ایرانی*، شماره‌ی ۱۱، صص: ۱۷۳-۱۹۵.

- نوروززاده‌چگینی، ناصر، ۱۳۷۲، «هیأت هولمز نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی در لرستان». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۷، شماره‌ی ۱۴، صص: ۹۷-۱۱۴.

- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، *سفال ایران در دوران اشکانی*. ترجمه‌ی حمیده چوبک، سازمان میراث فرهنگی کشور.

- هول، فرانک، ۱۳۵۲. *دوره‌ی پیش‌ازتاریخ در جنوب غربی ایران: لرستان*، ترجمه‌ی سکندر امان‌اللهی بهاروند، خرم‌آباد: چاپ دانش.

- Adams, R. M., 1962, "Agriculture and Urban Life in Early Southwestern Iran". *Science* 136, Pp: 109-22.

- Alibaigi, S.; Niknami, K. & Khosravi, Sh., 2012, "The Location of the Parthian City of Bagistan in Bisotun, Kermanshah: A Proposal", *Iranica Antiqua*, Vol. XLVII, Pp 117-131.

- Carter, E., 1971, *Elam in the Second Millennium B.C.: The Archaeo-*

*logical Evidence Un Published Doctoral Dissertation*. Department of Near Eastern Languages and Civilization, The University of Chicago. Chicago.

- Conteanau. G. & Ghirshman. R., 1935, *Fouilles de Tepe Giyan*, pres de nehavand libraire orientaliste Paul geuthner, Paris.

- Goff, C., 1968, "Luristan in the first half of the first millennium B.C.", *Iran*. No. VI, pp: 105 -134.

- Goff, C., 1970, "Excavation at Babajan Tepe, 1968, Third Preliminary report", *Iran*, NO. 8, Pp 141-156.

- Goff, C., 1971, "LURISTAN before the Iron age", *Iran*, NO. IX, pp 131-152.

Haerinc, E., 1983, "La céramique en Iran pendant la période parthe (ca. 250 av. J. C. à ca. 225 après J. C.)". Typologie, chronologie et distribution (*Iranica Antiqua Supplement 2*).

- Hole, F., 1987, "Iranian Archaeology Problems". In: F. Hole (ed.), *Archaeological Perspective on Western Iran, Washington*: Smithsonian Institution Press.

- Hubbard, R., 1990, "The Carbonized Seeds from Tepe Abdul Hosein: Results of Preliminary Analysis", In: J. Pullar (ed.), *Tepe Abdul Hosein, BAR International Series 563*.

- Johnson, Gr. A., 1973, *Local Exchange and Early State Development in Southwestern Iran*. Anthropological Paper 51, Museum of anthropology. University of Michigan. Ann Arbor.

- Keall, E. J. & Keall, M. J., 1981, "The Qal,eh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach", *Iran*, no. XIX, Pp 33-80.

- Kleiss, W., 1970, "Zur topographie des «Partherhanges»", in Bisutun (Tafel 65-76), pp. 133-168, in: *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, Neue Folg Band 3.

- Schmidt, E. F., 1938, *The Second Holmes Expedition to Lorestan*, Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeology V: 3.

- Solecki, R. L. & Solecki, R. S., 1983, "Late Pleistocene, Early Holocene Traditions in the Zagros and the Levant", In: T.C. Young, PH. Smith and P. Mortensen (eds.), *The Hilly Flanks and Beyond: Essay on the Prehistory Southwestern Asia Presented to Robert J. Braidwood*, *Studies in Ancient Oriental Civilization 36*, Oriental Institute.

- Stein, A., 1940, *Old Routes of Western Iran*, London.

- Stronach, D., 1969, "Excavations at Tepe Nush-I Jan 1967". *Iran*, no. VII, pp. 1-20.

- Stronach, D., 1974, "Achaemenid Village I at Susa and the Persian Migration to Fars". *Iraq 36*. pp. 239-248.

- Wenke, R. J., 1987, "The Archeology of Western Iran, settlement and society from prehistoric to the Islamic conquest". ed: Frank Hole; Washington D.C.: *Smithsonian Institution Press*, PP 251-282.

- Wright, H. T., (ed.), 1979, *Archaeological Investigation in Northeastern Xuzestan, 1976*. Technical Reports of the Museum of Anthropology 10. The University of Michigan. Ann Arbor.

- Young, T. C., 1966, "Survey in Western Iran, 1961". *Journal of Near Eastern Studies 25*, pp.232-233.

- Young, T. C., 1975, "Kangavar Valley Survey", *Iran*, NO 3, PP 23-30.